

رژیم صهیونیستی با همان مبنای بمباران هیروشیما می خواهد نسل کشی را در غزه رقم بزند!



دکتر محمود حکمت نیا، عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در نشست علمی با موضوع «بحران غزه، با رویکرد سیاسی، حقوقی و اخلاقی» که توسط پژوهشکده نظام های اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و با همکاری مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه، مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی و شبکه اینترنتی عَبَرَات برگزار شد، به بررسی این بحران از منظر حقوقی پرداخت و گفت: این بحران یکی از مسائل بسیار حزن انگیز قرن حاضر است. در اخبار دیدم که یکی از اساتید حقوق کتاب حقوق را بست و گفت من شرمنده ام که بخواهم درباره اینکه بتوانم بر اساس موازین حقوقی در مورد فجایع کنونی گفت و گو کنم. واقعا در این باره شرمندگی انسانی وجود دارد.

وی ادامه داد: خداوند در سوره تکویر وقایع قبل از حشر را بیان فرموده است تا می رسد به اینجا که «وَإِذَا الذُّفُّوسُ زُوِّجَتْ، وَإِذَا الِمْوَةُءُودَةٌ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ». قبل از باز شدن پرونده اعمال این زنان و کودکانی که با ظلم و ستمگری رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده اند، یک سوال از کل آن ها می شود و آن این است که به کدامین گناه کشته شده اند؟

«مسئولیت مطلق» چه زمانی ایجاد می شود؟

حکمت نیا با اشاره به اینکه اگر هیچ قصد و عنصر روانی در مجازات افراد شرط نباشد، در علم حقوق به مسئولیت مطلق از آن یاد می شود، اظهار کرد: در آیات سوره تکویر همین مسئولیت مطلق به خوبی مورد اشاره واقع شده است.

وی افزود: در حوزه مسئله شناسی مباحثی که در جریان غزه اتفاق افتاده است در دو سطح حقوقی و فلسفه حقوقی می توان بحث کرد. البته امروزه رفتارشناسی جهان را هم در این باره باید در نظر گرفت. چرا که اگر مباحث نظری رفتارهای مجموعه سیاستمداران را بدانیم تحلیل وقایع فلسطین برایمان راحت تر خواهد بود.

دو اتفاق مهم که از سوی سیاستمداران و در مورد مسئله فلسطین رقم خورده است

این پژوهشگر حوزوی ضمن پرداختن به برخی ابعاد رفتارشناسی سیاستمداران در خصوص بحران فلسطین خاطرنشان کرد: به طور کلی سیاستمداران دو اتفاق را رقم زده اند؛ یکی از آن ها دفاع از رفتارهای اسرائیلی هاست و دیگر رویکردهای به شدت منتقد این رفتارهاست. این جاست که این سؤال مطرح می شود که آیا می توان مجموعه این رفتارها را به یک بحث سیاسی تقلیل دهیم یا اینکه این امور دارای بنیان ها نظری هم هست که باید مورد توجه قرار گیرد. به نظر می رسد که اگر ما بحث های نظری را ندانیم شاید تحلیلی که از این جریان می کنیم هم تحلیلی ناقص باشد.

وی گفت: به لحاظ حقوقی اینکه یک کشوری چرا باید وارد عرصه جنگ شود، یک بحث کاملاً سیاسی و امنیتی است و هر کشوری می تواند برای خودش دلایلی داشته باشد. در این حوزه علم حقوق نمی تواند ورود جدی نماید. زیرا هر کشوری بنا بر استدلال های خودش ممکن است انگیزه جنگیدن پیدا کند و در این باره حقوق جز در موارد خاصی نمی تواند نظر دهد.

وقایع فلسطین را باید به صورت مجموعه ای به هم پیوسته و در سطح جهانی مورد بررسی قرار داد

حکمت نیا با بیان اینکه لازم است ببینیم مجموعه ماجرا در سطح روابط جهانی چگونه تحلیل و برداشت می شود، یادآور شد: به عبارتی باید دید جنگی که بین طرفین واقع شده است در مجموع تا چه اندازه به ضرر امنیت جهانی است؛ صرف نظر از این که کدام طرف صاحب حق است یا چگونه می جنگند. برای رسیدن به

یک تحلیل جامع لازم است بگوییم این بحران، یک بحران بین المللی است و راهکارهای بین المللی برای حل آن را بیابیم. لذا کسانی که مرتبط با این بحران هستند، جنبه های توسعه جنگ را گوشزد می کنند، فقط به خاطر این نیست که بخواهند آن چه واقع می شود را شرح داده باشند و در واقع این یک هشدار است به جهانیان که اگر این عملیات کنترل نشود، این استعداد را دارد که به امری جهانی تبدیل شود، پس نیازمند راهکار بین المللی است. این همان چیزی است که شورای امنیت سراغش می رود، اما رأی نمی آورد.

وی تصریح کرد: دو اتفاقی که در حال سوق دادن جریان غزه به سمت بین المللی شدن است شامل حضور قدرتمند سیاسی کشورهای جبهه مقاومت و فشار بین المللی بر سر دولت ها بویژه در فضای مجازی می باشد که مظلومیت مردم فلسطین در منظر جهانیان را می تواند آشکار نماید و به نظر می آید مجموعه این ها قادر به ایجاد کنشگری حقوقی در شورای امنیت سازمان خواهد بود.

اقدامات رژیم صهیونیستی نسبت به مردم بی گناه غزه در زمان غیرجنگ نیز دارای ممنوعیت حقوقی است

مدیر گروه حقوق مرکز تحقیقات اسلامی مجلس با تأکید بر اینکه اقدامات رژیم صهیونیستی نسبت به عده ای از انسانهاست که این اقدام ها در زمان غیرجنگ هم دارای ممنوعیت حقوقی است، بیان داشت: باید دانست که این گونه نیست که چون جنگ است، پس این اقدامات ممنوع می باشد. خیر، این اقدامات به دلیل وجود قصد، برنامه ریزی و هدفی تحت عنوان اخراج نسلی از انسان ها از سرزمین خودشان است، پس شامل ممنوعیت حقوقی هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح است.

وی گفت: یکی از وزرای اسرائیل اظهار کرد که قضیه را با بمب اتم پایان دهیم؛ اما دولت اسرائیل بلافاصله نسبت به این حرف واکنش نشان داد. زیرا این رفتار می توانست آن را ذیل نسل کشی قرار دهد و صهیونیست ها را در یک منجلاب فرو ببرد. اما رژیم صهیونیستی پیش دستی کرد تا این قصد و غرض نمایان نشود. بحث سر این است که جنایت جنگی یا نسل کشی یک عنوان حقوقی می باشد اما احراز آن مشکل است. باید دید که ما از این مجموعه رفتارها یا از اعلان قصدها می توانیم این عنوان را احراز کنیم.

اسرائیلی ها از ابراز مقاصد خود در نسل کشی مسلمانان فلسطین خودداری می کنند تا از محکومیت های قضایی نجات یابند

حکمت نیا در ادامه افزود: اگر از اعلان قصدها بخواهیم عنوان نسل کشی را احراز نماییم کار بسیار

راحتی است. اما اسرائیلی‌ها سعی در پنهان کردن آن دارند. ممکن است شخصیت‌های روحانی اسرائیلی‌ها هم مقاصد را اعلام نمایند، اما آنچه مهم است اعلام مقاصد از سوی سیاسیون می‌باشد. آنچه در اینجا باید مواظبت شود و برای آن پرونده ساخته شود، دو امر است؛ یکی از آن‌ها این است که از مجموعه رفتارهای آن‌ها در مجموع بتوان قضاوت کرد که یک اقدام عامدانه بین‌المللی برای از بین بردن نسل فلسطینی‌ها وجود دارد. این امر فقط مختص زمان جنگ نبوده و می‌توان با بررسی اقدامات قبل و بعد از جنگ نیز آن را احراز نمود. دومین راهکار باز گذاشتن این پرونده و افزودن گزاره‌های مطرح شده حتی از سوی مقامات روحانی صهیونیست‌ها به آن است.

وی ضمن بیان اهمیت پرداختن به نوع سلاح‌های مورد استفاده اسرائیل در مقابله با فلسطینیان ادامه داد: لازم است سلاح‌هایی که اسرائیل در این جنگ به کار برده هم مورد مذاقه قرار گیرد. چرا که برخی از سلاح‌ها همچون سلاح‌های شیمیایی و کشتار جمعی دارای ممنوعیت ذاتی است و باید به آن توجه شود. این امر از جهت حقوقی دارای ممنوعیت بوده و صرف استفاده از آن برای پیگیری‌های معاهده‌ای و قانونی کفایت می‌کند.

مقداری از کشته شدن بی‌گناهان در جنگ از اقتضائات ذاتی آن است؛ اما چه مقدار؟

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی اظهار کرد: در مورد کشتن بی‌گناهان، بمباران بیمارستان‌ها و از بین بردن حقوق بشردوستانه بحث بسیار مهمی وجود دارد که در وهله اول باید از جهت نظری مورد بررسی قرار گیرد. اگر مشروعیت جنگ را بر عهده کشورها دانسته و بگوییم که فعلاً به این موضوع ورود نمی‌کنیم، باید دانست که مقداری از کشته شدن بی‌گناهان در جنگ از اقتضائات ذاتی آن است، اما بحث بر سر این است که این مقدار کشته شدن بی‌گناهان متناسب با اقتضای جنگ چقدر است؟ از آنجا که این کشته شدن‌ها پرونده بین‌المللی خواهد شد، لذا باید مسئله شناسی در مورد آن به خوبی انجام گرفته و اصل مصونیت بی‌گناهان را به خوبی تعریف کرد.

وی با برشمردن سطوح مختلف مصونیت بی‌گناهان خاطرنشان کرد: به طور کلی سه سطح از مصونیت وجود دارد؛ اولین سطح آن، سطح مصونیت ضعیف به معنای قائل شدن به کمترین سطح از احترام برای بی‌گناهان است. دومین سطح، مصونیت با شرایط فوق‌العاده است به این معنا که اگر احساس کردی شکست می‌خوری می‌توانی این مصونیت را از بین ببری و سومین سطح آن نیز مصونیت بسیار قوی می‌باشد که به ما می‌گوید هرگز نمی‌توان آن را از بین برد.

حکمت نیا افزود: دو مبنا در مواجهه با مفهوم مصونیت وجود دارد؛ یکی از آن‌ها بر اساس اهداف جنگ است و دیگری بر اساس احترام نفوس می‌باشد. کارکردگراها و منفعت‌گرایان آمریکایی که امروز ما با این‌ها در همین جا درگیر هستیم بر اساس مدل کارکردگرایی می‌گویند که این جنگ باید به پیروزی ختم شود. این هدف آنچنان قدرت دارد که بتواند حقوق بشر را هم نادیده بگیرد. این استدلال منفعت‌گرایان آمریکایی است که اسرائیلی‌ها هم آن را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. ما با این دیدگاه منفعت‌گرایانه مشکل داریم.

وی گفت: اگر مبنای دوم مبنی بر احترام نفوس و بشردوستی را بپذیریم باید اهداف جنگ را از حقوق افرادی که درگیر در جنگ نیستند، تفکیک کنیم. تزامم بین این اهداف و این حقوق بر اساس مدل‌های مختلفی مورد حل و فصل قرار گرفته است. مثلاً در نظریه و مدل مسیحی موسوم به «تأثیر دوگانه» می‌گویند مسئله را بر اساس عنصر روانی «قصد و نیت» حل کنیم. به این شکل که هر اقدامی که با نیت خیر انجام شود، هرچند دارای پیامد شر هم باشد، این اقدام مجاز است. در این مدل تقدم را به عنصر روانی قصد خیر داده‌اند. اسرائیلی‌ها هم با استفاده از همین مدل می‌گویند که این کشتار بی‌گناهان همان تأثیر دوگانه است و ما با نیت خیری که داریم نمی‌توانیم بین اهداف و حقوق بی‌گناهان تفکیک قائل شویم. البته می‌بایست ما این نظریه را از لحاظ مبانی فلسفی و نظری ابطال نموده و حد آن را مشخص کنیم.

اضطرار فوق العاده؛ یکی از نظریه‌های حل تزامم

مدیر گروه حقوق مرکز تحقیقات اسلامی مجلس «اضطرار فوق العاده» را یکی دیگر از نظریه‌های حل تزامم برشمرد و تصریح کرد: این نظریه را چرچیل در بمباران هیروشیما مطرح کرد. او گفت اگر هیروشیما را بمباران نمی‌کردیم جنگ ادامه پیدا می‌کرد. از نگاه او برای توقف عمومی جنگ، کشته شدن عده‌ای بی‌گناه لازم است. از آثار مترتب بر این نظریه این بود که در جنگ جهانی دوم حتی به کشورهای هم‌چون ایران که اعلان بی‌طرفی داشتند، حمله کردند. استدلال آن‌ها هم این بود که ما با بی‌طرف یا با طرف بودن کشورها کار نداریم، بلکه به دلیل اینکه امنیت جهانی در خطر بوده و شرایط فوق العاده است، پس هر چقدر که رفع اضطرار اقتضا کند، ما اقدام خواهیم کرد. اینکه اسرائیل تلاش می‌کند حماس را ذیل شبه‌داعش تعریف کند، کوشش برای اعلان وضعیت فوق العاده است. آن‌ها تلاش می‌کنند بگویند ما با تروریسم مواجه هستیم، این وضعیت همان وضعیت اضطرار بوده و کشته شدن عده‌ای بی‌گناه در این میان

منع نداشته و طبیعی است.

وی ادامه داد: ما یک وقت بحران غزه را در مجموع صرف نظر از هر اتفاقی که در ساختار جنگ و دفاع در آن اتفاق می افتد در نظر می گیریم؛ این یک مسئله کلی برای کل جهان ایجاد می کند و به دنبال راهکاری بین المللی برای حل آن است. باید در فضای حقوقی مدیریت مصداق و تعیین مصداق را از دست آمریکایی ها بگیریم تا از تبدیل مسئله غزه به نزاع منطقه ای و جزئی جلوگیری به عمل آید. زیرا اگر این امر محقق گردد، از دستور کار شورای امنیت و امثالهم خارج خواهد شد.

اسرائیلی ها به شدت دنبال این هستند که ذیل عناوین مجرمانه قرار نگیرند

حکمت نیا گفت: صرف نظر از جنگ، اقداماتی که رژیم صهیونیستی در هفتاد سال گذشته انجام داده است نیز دارای وجه حقوقی بوده و قابلیت پیگیری دارد. این موضوع نیز مدیریت مصداق را می طلبد و اسرائیلی ها به شدت دنبال این هستند که ذیل عناوین مجرمانه قرار نگیرند. این عناوین را از دو طریق می توان مشخص کرد؛ یکی از طریق سخنان رسمی مقامات اسرائیلی است و دیگری از طریق اقداماتشان می باشد. منع سلاح های کشتار جمعی و استفاده رژیم صهیونیستی از بمب های فسفوری از مهمترین مصادیق مجرمانه آن هاست که قابلیت بهره برداری در محاکم قضایی بین المللی را دارد.

وی با تأکید بر اینکه مراکز علمی و پژوهشی می بایست به خوبی مدیریت مصداق نمایند، اظهار کرد: این مراکز برای مسئله شناسی دقیق و هدایت سیاست خارجی ما به سمت درست، می بایست در فهم موضوع و مدیریت مصادیق به نحو احسن ایفای نقش نمایند. مثلاً به طور دقیق مشخص نمایند که کشتن چه مقدار و چه تعداد از بی گناهان در جنگ ها طبیعی است؟

این پژوهشگر حوزوی در پایان خاطرنشان کرد: به نظر می آید دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران در مسئله فلسطین مدیریت بر مصداق را به خوبی انجام داده و راهبرد خوبی را برای این موضوع انتخاب نموده است.

منبع: مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات حوزه های علمیه